تماشاخانه

درباره بخش تازه افزوده جشنواره تئاتر فجر

قاتل همیشه به صحنه جنایت بازمی‌گردد



آرش عباسی
نمایشنامه‌نویس

● چند روز پیش خبری عجیب مبنی بر اضافه‌شدن بخشی به نام «تئاتر اجتماعی ایران» در جشنواره تئاتر فجر منتشر شد که جای پرداختن دارد. کاری ندارم که چرا کمتر از بیست‌روز مانده به برگزاری جشنواره‌ای چنین بااهمیت سراسیمه بخشی به آن اضافه می‌شود و باز سراسیمه گفته می‌شود «دستور برگزاری این بخش از مدت‌ها پیش صادر شده و کارهایش انجام شده است.» همچنین کاری ندارم که این بخش برای ساکت‌کردن گروه‌های شهرستانی معترضی است که کارهایشان در بخش چشم‌انداز پذیرفته نشده و حالا قرار است در این بخش گنجانده شوند تا تهران را ببینند و چند روزی در هتل بمانند و ساکت شوند. اینگونه رفتار متناقض با گروه‌های شهرستانی در شأن مدیریت تئاتر ما نیست. کاری ندارم که چنین خبرهایی آدم را یاد آن روزهایی می‌اندازد که بعضی‌ها فریاد می‌زدند جشنواره تئاتر فجر نیازمند دبیری باتجربه و پشتوانه تئاتری است و گوش شنوایی مثل همیشه وجود نداشته برای شنیدن. به هیچ‌کدام از اینها کاری ندارم اما با این شوخی ناراحت‌کننده در پسِ عبارتی چون «هنرمندانی که سال‌های سال در این حوزه فعالیت کرده‌اند» کار دارم.

نمی‌دانم طراحان این بخش دقیقا منظورشان از «تئاتراجتماعی» چیست؟ براساس دیدن کدام نمایش روی صحنه این چند سال گذشته به این نتیجه رسیده‌اند که فلان نمایش در حیطه «تئاتر اجتماعی» می‌گنجد؟ بی‌شک هیچ‌کدام از این آقایان بین سال‌های ۷۶ تا ۸۰ تصور اینکه روزی ممیز تئاتر، مدیر تئاتر یا حتی تماشاگر تئاتر باشند را نداشته‌اند. پس آن چیزی را که در آن دورانِ نه‌چندان دور به اسم تئاتر اجتماعی روی صحنه بود، ندیده‌اند. البته که از منظر ایشان هر نمایشی که زن در آن وجود داشته باشد درباره زنان است، هر نمایشی که صدای توپ و تانک در آن شنیده شود، نمایشی جنگی است و هر نمایشی که شخصیت‌هایش به زبان تهرانی پایین‌شهری حرف بزنند تئاتر اجتماعی است.

بی‌شک این دوستان در دوران شکوفایی تئاتر اجتماعی ایران حضور نداشتند، اما در دوره متهم‌کردن و ممیزی تئاتر اجتماعی در شورای ارزشیابی و نظارت از عاملان یا حداقل از ناظران این حذف بودند. مگر می‌شود کسی خودش در همان شورا هرچه را درباره جامعه، مسایل عیان و پنهانش نوشته شده، یکسر دور بریزد، بعد بیاید برای پاسداشت خون دلی که درام اجتماعی این سال‌ها خورده، بخشی طراحی کند با نیت تکریم هنرمندانی که سال‌های سال در این حوزه فعالیت کرده‌اند؟ منظور از این فعالیت چیست؟ من شش‌سال تلاش کردم تا به آقایان بگویم نمایشنامه «ورود آقایان ممنوع» از همین جامعه و مردم همین اجتماع حرف می‌زند. نمی‌دانم الان فعالیت شش‌ساله من در تفهیم این مساله به ممیزان ارجمند جزیی، از همین فعالیت «سال‌های سال» مدنظر جشنواره تئاتر فجر است؟ دو سال پیش، بیش از شش گروه سه‌نفره همین نمایش را به دفعات بازبینی کردند و من و بقیه گروه مثل متهم روبه‌روی آقایان نشستیم و از نمایشنامه‌ای که دیگر چیزی از آن باقی نمانده بود، دفاع کردیم. نمی‌دانم آن‌همه تکاپوی ما، جزیی از آن فعالیت «سال‌های سال» مدنظر جشنواره به حساب می‌آید؟ این یک نمونه کوچک است. همین حالا می‌توان فهرست بلندبالایی از نمایش‌هایی را نام برد که به گناه ورود به حوزه اجتماعی نتوانستند از فیلتر شورای نظارت و ارزشیابی عبور کنند.

در تمام سال‌های اخیر محال است کاری روی صحنه رفته باشد که حرفی از انسان زنده ایرانی حاضر در این روزگار و دردهایش زده باشد. کافیست نگاهی به درام‌نویسان اجتماعی تئاتر بیندازید تا ببینید از کجا به کجا رسیدند. چگونه دغدغه‌هایشان یا به اجبار عوض شد یا کنار کشیدند و سر از رسانه‌های دیگر درآوردند. در تمام حوزه‌های نظارتی وزارت ارشاد، هیچ حوزه‌ای همچون شورای ارزشیابی و نظارت مرکز هنرهای نمایشی فعال و پرجنب‌وجوش نبود. سانسوری که در تئاتر اعمال شد نه در سینما وجود داشت نه در تلویزیون. شاهدش تمام موضوعاتی بود که در تئاتر نشد آنها را مطرح کرد اما بعد به‌راحتی در آن دو رسانه دیگر طرح شدند. همه منطق ممیزان این شورا هم همیشه یک جمله بود: «با واکنش منتقدانه برخی رسانه‌ها چه کنیم؟» همین یک جمله ساده حفره‌ای در ادبیات نمایشی ایران ایجاد کردند که فقط باید از آن دور شد تا عمقش را دید. سنت ترجمه ادبیات نمایشی را فربه‌تر کردند (البته به خودی خود بد نیست) سال‌ها دوباره رنگ ادبیات نمایشی قرن‌های ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ اروپا را به خود گرفت. چخوف و ایبسن دوباره به تئاتر ایران معرفی شدند (آنها لیاقتش را دارند اما نه به بهای خانه‌نشینی درام‌نویس ایرانی آن‌هم در جامعه خودش). تئاتر تجربی سرکش و بی‌محابا یک‌تنه تاخت. درام‌نویسان اجتماعی خیلی که هنر خرج کردند یا درام و داستان غربی را بازخوانی (از آن اصطلاحات من‌درآوردی نسل تازه) کردند یا دیگر از هرچه گفتند الا از همان آدمی که بیرون سالن هزار و یک دغدغه‌اش را کنار گذاشته تا بیاید کسانی را روی صحنه ببیند که به زبان خودش حرف می‌زند و به سیاق خودش درد می‌کشد. اگر ذره‌ای سیاست و تجربه در کار گردانندگان جشنواره تئاتر فجر وجود داشت، می‌دانستند که نه‌تنها نباید به صحنه باز می‌گشتند بلکه طوری رفتار می‌کردند که گویی از ابتدا چیزی به اسم تئاتر اجتماعی در ایران وجود نداشته است.

واکنش مجری سابق تلویزیون به اظهارات معاون سیما:

آقای دارابی، نگویید «ممنوع‌الکار» نداریم

سحر آزاد – فرزانه ابراهیم‌زاده



عکس: رضا معطریان، شرق

یک‌بار دیگر اظهارنظر مدیران صداوسیما حاشیه‌ساز شد. علی دارابی، معاون سیمای رسانه‌ملی در حاشیه مراسم افتتاح سومین جشنواره تلویزیونی جام‌جم گفت: «در تلویزیون هیچ‌کس ممنوع‌الکار نیست.» دارابی که در جمع خبرنگاران حاضر شده بود، در پاسخ به پرسشی مبنی بر برگرداندن افرادی که به‌خاطر گله‌مندی‌های پیش‌آمده از تلویزیون کناره‌گیری کردند، گفت: «من پیش از این هم اعلام کردم که در تلویزیون هیچ‌کس ممنوع‌الکار نیست و به‌نوعی همه جای کار دارند. طبیعتا این بحث‌ها و گفت‌وگوها هم از ناحیه تلویزیون و هنرمندان در حال انجام است و صورت می‌گیرد. من امیدوارم تمام افرادی که توانایی تولید برنامه‌های خوب دارند خودشان را در تلویزیون ببینند و این وظیفه ماست که شرایط را برای حضورشان فراهم کنیم که این زمان دور از دسترس نیست.» علی دارابی در حالی این صحبت‌ها را مطرح کرده است که برخلاف نظر او، لیست‌سیاه صداوسیما برای ممنوع‌الکاری و ممنوع‌التصویری هنرمندان و برنامه‌سازان، طولانی‌تر از فهرست مشابه در وزارت‌فرهنگ و ارشاد اسلامی است. در شش‌سال گذشته هیچ فیلمی از آثار رخشان بنی‌اعتماد - حتی گیلانه - از هیچ شبکه تلویزیونی‌ای پخش نشده است. بادکنک سفید جعفر پناهی با سفارش شبکه دوم سیما و برای رسانه ملی ساخته شد؛ اما این فیلم سال‌هاست که در فهرست فیلم‌های رسانه ملی قرار ندارد. مجموعه تلویزیونی «زیرتیغ» و «آشپزباشی»؛ دو مجموعه پرطرفدار سال‌های دور تلویزیون بوده و هستند. اما این دو مجموعه به دلیل حضور فاطمه معتمدآریا حتی از شبکه آی فیلم نیز به نمایش در نیامده‌اند. این ممنوعیت فقط معطوف به فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی نیست. بسیاری از تیزرهای تبلیغاتی سینمایی به دلیل حضور بازیگرانی که در لیست سیاه تلویزیون قرار دارند امکان تبلیغات تلویزیونی پیدا نکردند. رضا عطاران و مهران مدیری نیز جزو هنرمندانی هستند که در چند سال گذشته برنامه‌های پر بیننده‌ای را برای صداوسیما تهیه و تولید کردند؛ برنامه‌هایی که هیچ‌کدام در شبکه‌های جانبی‌ای که این‌روزها در کنار هفت شبکه اصلی سیما راه‌اندازی شده و تکرارکننده برنامه‌های سال‌های گذشته صداوسیما هستند جایی ندارند. اما این همه‌چیز درباره لیست سیاه رسانه ملی نیست. در چند سال گذشته - به‌خصوص در چهارسال گذشته- چهره‌های شناخته‌شده‌ای از هنرمندان و برنامه‌سازان را که برخی از آنها نیروی رسمی رادیو و تلویزیون ایران بوده‌اند اجازه ورود به جام‌جم را هم پیدا نکردند و حتی یکی، دونفر از این هنرمندان از میانه برنامه عذرشان خواسته شد.

یکی از مجریان شناخته‌شده‌ای که در چند سال گذشته ممنوع‌الکار شد؛ «جواد یحیوی» است. مجری موفق سیکا که به‌ناگاه از همه برنامه‌های تلویزیونی حذف شد. او در واکنش به صحبت‌های دیروز دارابی به «شرق» گفت: «این رسانه به پرداختن به شایعات عادت کرده است. متاسفانه سازمان صداوسیما تقاضای واقع‌بینانه مخاطبان را نمی‌بیند. گفتن این حرف از معاون صداوسیما نیز درست نیست چون در جشن رمضان امسال برای حضور من در این برنامه حتی مکاتباتی با وزارتخانه‌های دیگر مانند وزارت اطلاعات انجام شد تا مشکل من برطرف شود اما موضوع، در حراست صداوسیما مختومه ماند و آقای کریمیان، مدیر گروه اجتماعی شبکه تهران هم پیگیر این نامه‌ها بود. بنابراین آقای دارابی نمی‌تواند بگوید ممنوع‌الکار نداریم چون خودشان در جریان این موضوع بوده‌اند.»

او در مورد رفتار صداوسیما در بحث ممنوع‌الکاری خود عنوان کرد: «قرار بود همایشی در حوزه صنعت برق در سالن همایش‌های صداوسیما برگزار شود که من‌هم اجرای آن را برعهده داشتم اما یک ساعت قبل از شروع مراسم، حراست صداوسیما به من اعلام کرد که ممنوع‌الکار هستم و جلو ورود من را به سازمان گرفتند. این درحالی است که از ابتدا قرار بود، سالن همایش‌های صداوسیما مستقل عمل کند و اصلا جزییات همایش صنعت برق در ارتباط با سازمان صداوسیما نبود و سازمان تنها، سالن همایش‌های خود را به برگزارکنندگان اجاره داده بود. جلو اجرای من را به بهانه ممنوع‌الورودبودن به سازمان گرفتند. حتی حراست صداوسیما یک‌نفر را از قبل برای اجرای برنامه ذخیره نگه داشته بود.»

یحیوی افزود: «محرم سال گذشته در تئاتری در تالار وحدت بازی می‌کردم. وقتی قرار شد تیزرهای تبلیغاتی این کار از تلویزیون پخش شود، تصویر من را از تیزر حذف کردند. یک تیزر تبلیغاتی دیگر نیز در حوزه صنعتی با صدای من تهیه شده بود که به‌دلیل وجود صدای من سازمان صداوسیما این تیزر را پخش نکرد.» او با بیان اینکه در روزهای حساس و کلیدی برای سازمان صداوسیما فعالیت کرده است، ادامه داد: «روزی که تنها دوساعت از مراسم تدفین مادرم می‌گذشت، خودم را به مسابقه تلفنی رساندم تا در اجرای این مسابقه خللی وارد نشود تا جایی که حتی خبر به‌دنیاآمدن فرزندم را روی آنتن شنیدم! این رفتار در شرایطی انجام شده است که سازمان صداوسیما حق ندارد در فعالیت‌های حرفه‌ای من در خارج از سازمان دخالت کند. تا به حال هیچ جلسه‌ای برگزار نشده است تا اگر من جرمی مرتکب شده‌ام، تفهیم شود. تا چه زمانی قرار است این ممنوعیت ادامه پیدا کند؟ من این مساله را می‌فهمم که ممکن است هر نهاد و سازمانی یک روزی به دلیل اینکه برخی از همکارانش با آنها هماهنگ نیستند، نخواهد با آنها همکاری کند اما باید تعریف مشخصی در این زمینه داشته باشیم که حدومرزهایی که یک نهاد ممکن است از همکاری با همکارش صرف‌نظر کند، مشخص باشد.» یحیوی به تبعات این رفتار اشاره کرد: «وقتی چنین برخوردی با من یا افراد دیگر می‌شود، گذشته از رفتار غیرحرفه‌ای که صورت گرفته، به اعتبار و حیثیت ما هم لطمه وارد می‌شود. ممکن است مخاطبان خاصی که اخبار را دنبال می‌کنند در جریان باشند که چرا من برنامه اجرا نمی‌کنم اما در ذهن عوام، اینگونه نیست و فکر می‌کنند من کار غیرحرفه‌ای یا غیراخلاقی مرتکب شده‌ام که مستوجب چنین رفتاری هستم.» او همچنین درباره شرایط حضور دوباره‌اش در صداوسیما گفت: «اگر شرایط، دوباره مثبت و خوب باشد باز هم حاضر هستم در این سازمان برنامه داشته باشم.»



سید محمد بهشتی



حسن بلخاری

گمانه‌زنی «شرق» از سکان‌دار بعدی «فرهنگستان هنر»

«دروازه بهشت» در انتظار بهشتی یا بلخاری؟

مرجان صائبی: یک‌بار دیگر نگاه‌ها به ساختمان شماره ۴۴۳ خیابان ولیعصر در تقاطع طالقانی دوخته شده است. این بار البته نه «دروازه بهشتِ» این ساختمان نظرها را به خود جلب کرده، نه نمای زیبای آجری آن. صحبت، بر سر سکان‌دار بعدی «فرهنگستان هنر» است؛ نهادی فرهنگی و هنری که به اذعان برخی کارشناسان، خود، یک «وزارت ارشاد جمع‌وجور» به حساب می‌آید. چهارسال از زمانی که علی معلم‌دامغانی از «دروازه بهشت» گذشت و در طبقه هفتم این ساختمان، بر صندلی ریاست تکیه زد، می‌گذرد؛ چهارسال پرفرازونشیب که نگاه‌های مثبت‌ومنفی اهالی فرهنگ و هنر را در پی داشت. انتقادها در این زمان البته محدود به افراد بیرون از فرهنگستان نبود؛ چراکه سال ۹۰ جمعی از کارمندان فرهنگستان هنر در نامه‌ای خطاب به علی معلم‌دامغانی به‌شدت از عملکرد مدیریتی او انتقاد کردند و گفتند: «باندبازی‌های پی‌درپی، جابه‌جایی‌های نابجا و سوءمدیریت چنان بر این فرهنگستان تاخت که فرهنگستان هنر مانند نیستانی گرفتار در آتش قدرت به خاکستر افسوس تبدیل شد.» آنها در این نامه از برکناری مدیرانی چون دکتر نامور مطلق، دکتر بلخاری، دکتر شریف‌زاده، دکتر کیانی، کیاسری، دکتر رضایی، مهندس یارزاده و حیف و میل‌های مالی فرهنگستان هنر به‌شدت انتقاد کردند. از آن‌سو اتفاقات دیگری مثل تخصیص بودجه ۶۰۰میلیونی پژوهش تنها به دونفر که یکی از آنها فقط به مدت یک‌ماه معاونت این نهاد هنری را برعهده داشت و معلق نگه‌داشتن پژوهش‌هایی حول محورهای محلی در ارتباط با شاهنامه‌خوانی لرستان که در سال ۹۱ تصویب شد در سکوت ماند. با همه اینها این‌روزها صحبت بر سر عملکرد مثبت و منفی فرهنگستان نیست؛ بحث بر سر آن است که سکان هدایت این نهاد تاثیرگذار را چه کسی در دست می‌گیرد و مسافر بعدی دروازه بهشت کیست؟ گمانه‌زنی‌های اخیر «شرق» حاکی از آن است که دوگزینه جدی برای تصدی ریاست این نهاد فرهنگی- هنری مدنظر است. هرچند هنوز هیچ مسوولی این مساله را رسما تایید نکرده. یکی از این دو گزینه سیدمحمد بهشتی است و دیگری حسن بلخاری. سیدمحمد بهشتی را معمار سینمای ایران لقب داده‌اند. عملکرد درخشان او در «بنیاد فارابی» باعث شد تا خاطره‌ای خوش از دوران مدیریتش در ذهن اهالی سینما بماند. معمار ۶۲ساله البته، فقط سینمای ایران را سر و سامان نداده. او در واقعیت هم یک «آرشیتکت» است که مدرک کارشناسی ارشد مهندسی معماری خود را از دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی گرفته. بهشتی، عضو پیوسته فرهنگستان هنر، رییس ایکوم ایران و مشاور ارشد محمدعلی نجفی، ریاست سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری ایران است. او پیش از این رییس سازمان میراث فرهنگی، مدیر جشنواره فجر و مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی بوده است. در کارنامه فعالیت‌های اجرایی او معاونت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز قرار دارد. از بهشتی به‌عنوان یکی از گزینه‌های تصدی ریاست فرهنگستان هنر یاد می‌شود. اما در کنار بهشتی، از دکتر حسن بلخاری به‌عنوان دیگر گزینه تصدی فرهنگستان هنر یاد می‌شود. او برای اهالی هنر چندان ناشناس نیست؛ همچنان که برای کارمندان فرهنگستان هم غریبه نیست؛ چراکه مدتی ریاست پژوهشکده هنر فرهنگستان را برعهده داشته است. بلخاری در سال ۱۳۸۹ طی حکمی توسط علی معلم‌دامغانی از این سمت برکنار شد و هادی ربیعی به جای او نشست. او فارغ‌التحصیل رشته ادیان و عرفان و از اساتید دانشکده هنر دانشگاه تهران است. با همه این گمانه‌زنی‌ها، به نظر می‌رسد باید تا بهمن‌ماه و جلسه بعدی شورایعالی انقلاب فرهنگی منتظر ماند و دید مسافر بعدی دروازه بهشت چه کسی خواهد بود؟ آیا رییس‌جمهور دست به خانه‌تکانی این نهاد هنری با عمری ۱۵ساله می‌زند؟ آیا شاعر ۶۲ساله همچنان سکان‌دار این نهاد مهم فرهنگی باقی می‌ماند؟

مجلس در آزمون لایحه جدید اقتصاد هنر

یک درصد از ۳۷هزارمیلیارد تومان

آزاده سهرابی

بر سر این موضوع که در دولت‌های نهم و دهم چه برنامه‌هایی با توجه به قانونی‌بودن، اجرا نشدند، بسیار بحث شده است. عمده‌ترین آن، موضوع اجرای قانون توسعه چهارم بود که بسیاری از موارد زیربنایی کشور را شامل می‌شد. در قانون برنامه چهارم برای حمایت از هنر و هنرمندان و همچنین ارایه راهکاری برای فضای شهری که به معماری ایرانی - اسلامی نزدیک‌تر شود مفاد قانونی درنظرگرفته‌شده بود که با توجه به اجرایی‌نشدن برنامه توسعه چهارم توسط دولت نهم و دهم، این موضوع به دست فراموشی سپرده شد. حال، دولت یازدهم با توجه به این موضوع که انقباضی‌ترین بودجه ۳۵سال اخیر را به مجلس شورای اسلامی ارایه داده و با توجه به اهمیت موضوع هنر و اقتصاد هنر که توسط حسن روحانی و علی جنتی وزیرارشاد و تیم اقتصاد هنر وزیر و معاونت هنری وزیرارشاد دنبال می‌شود، لایحه‌ای بر کلیت بودجه برای احیای برخی از مفاد اقتصاد هنر برنامه توسعه چهارم گرفته شده که امروز در آزمون مجلس‌نشینان است تا شاید قطار بی‌قانونی را به ریل قانون‌مداری بازگردانند. در برنامه توسعه چهارم، پیش‌بینی‌هایی صورت گرفته بود تا سهم هنر در بستر فضای شهری و نقش هنرمندان در این بسترسازی را مشخص کند. در این برنامه پیش‌بینی شده بود که دستگاه‌های دولتی در اجرای پروژه‌های عمرانی خود سهمی را برای معماری و حفظ هویت ایرانی – اسلامی به وسیله اهالی هنر و فرهنگ در نظر گیرند.

در بند «و» ماده«۱۱۳» قانون برنامه چهارم توسعه آمده بود: «کلیه دستگاه‌های اجرایی و مجریان طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مجازند تا یک‌درصد از اعتبارات احداث بناها و ساختمان‌های خود را برای طراحی، ساخت، نصب و نمایش آثار هنری متناسب با فرهنگ دینی و ملی و یادمان‌های دفاع مقدس صرف نمایند.» سوای معدود اقداماتی که از سوی برخی دستگاه‌های اجرایی از قبیل وزارت امور خارجه، وزارت مسکن و شهرسازی و... در دولت اصلاحات انجام شد، در سال‌های بعد عزمی برای تحقق این مواد قانونی جزم نشد و این قانون به دست فراموشی سپرده شد. حال این موارد قانونی برنامه توسعه چهارم با ویرایشی جدید طی لایحه‌ای توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در قالب کلیت بودجه توسط دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است.

در بخشی از این لایحه آمده است: « کلیه دستگاه‌های اجرایی و موسساتی که از بودجه عمومی کشور استفاده می‌کنند، مکلفند حداقل یک‌درصد از اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای خود را به منظور حمایت از هنرمندان و تولیدات ملی و رعایت هرچه بهتر معماری اسلامی در ساختمان‌ها و انتقال پیام‌های فرهنگی و معنوی به ساخت و خرید آثار هنری منقول و غیرمنقول اختصاص دهند و این آثار باید منحصرا تولیدات هنرمندان ایرانی باشد.»حال مجلس شورای اسلامی در آزمونی جدید قرار دارد تا پیرو این مفاد قانونی برنامه توسعه چهارم و همچنین بالا بردن سهم هنرمندان از قانون بودجه‌ای کشور به بررسی دقیق این لایحه اقدام کند.

۱۰ فیلم برتر کریسمس به انتخاب «ایندیپندنت»

تعطیلات با طعم اکشن و خاطره

نیما توسلی

چند روز پیش در آستانه کریسمس ۲۰۱۴، روزنامه ایندیپندنت به معرفی ۱۰فیلم برتر کریسمس پرداخت؛ فیلم‌هایی که برای مشاهده در ایام کریسمس پیشنهاد شده و شاید برای مخاطب ایرانی علاقه‌مند به سینما نیز خوشایند باشد. قرار نیست تعطیلاتی از نوع کریسمس همیشه به مرور سال قبل اختصاص یابد و از همین‌رو این ۱۰فیلم، لزوما فیلم‌های سال ۲۰۱۳ نیستند و در ژانرهای مختلف پیشنهاد شده‌اند و عبارتند از:

۱- جان‌سخت (۱۹۸۸): یک فیلم اکشن، که شاید در نگاه اول برای کریسمس خوب نباشد! اما این فیلم در ایام کریسمس ساخته شده است. تعقیب و گریز بروس ویلیس در برابر الن ریکمن تبهکار، می‌تواند کمی از ترس متداول ایام کریسمس را از تن خارج کند.

۲- چه زندگی فوق‌العاده‌ای (۱۹۴۶): فرانک کاپرا و جاذبه‌های همیشگی‌اش! این فیلم به ما می‌فهماند که هیچ‌کسی بدون دوست شکست نمی‌خورد و با فرشته‌ای به نام کلارنس آشنا می‌شویم، یک زن زندگی؛ و همزمان ورشکستگی، امید ازدست‌رفته، و زندگی تاریک یک شهر کوچک آمریکایی.

۳- فنی و الکساندر (۱۹۸۲): این درام اثرگذار اینگمار برگمن، یک سکانس کاملا جادویی دارد که پر است از صحنه‌های شادی و جشن و تفریح.

۴- مرد خانواده (۲۰۰۰): این فیلم، برگرفته از سرود کریسمس (۱۹۵۱) است که در آن، حرکات پراحساس نیکلاس کیج شما را به هیجان می‌آورد.

۵- کریسمس مبارک (۲۰۰۵): کریسمس در جنگ‌جهانی اول، و همزمانی آن با آتش‌بسی ناگهانی بین آلمان و انگلیس و فرانسه، باعث می‌شود تا به جای اینکه همدیگر را بکشند با هم فوتبال بازی کنند و آواز بخوانند.

۶- سرود کریسمس (۱۹۵۱): تصویر اسکروج تاکنون بارها در سینما نمایش داده شده است. در این فیلم نیز، این چهره برآمده از داستان چارلز دیکنز به شیوه‌ای جذاب به تصویر کشیده شده است.

۷- قطار سریع‌السیر قطب (۲۰۰۴): رابرت زمکیس در این فیلم انیمیشن کامپیوتری، چهره تام هنکس را هم به تصویر کشیده و البته منتقدان از این اقدام او چندان راضی نبودند.

۸- ده‌فرمان (۱۹۸۸): سومین اپیزود از ده‌فرمان کریستوف کیشلوفسکی در شب کریسمس تدوین شد.

۹- کریسمس مبارک، آقای لارنس (۱۹۸۳): این فیلم اولین تصویری است که مخاطبان غربی از کمدین بزرگ ژاپنی تاکشی کیتانو به یاد دارند، کسی که الان دیگر یک فیلمساز بسیار بزرگ و خبره است.

۱۰- تنها در خانه ۱ (۱۹۹۰): فیلمی خوش‌ساخت از داستانی خوش‌نوشته به کارگردانی جان هیو، که هنوز هم خیلی‌ها آن را تماشا می‌کنند. مکالی کالکین، کودک ستاره این فیلم، تنها در خانه مانده و داستان در ایام کریسمس می‌گذرد تا اینکه دو سارق به خانه دستبرد می‌زنند. بازی‌های سارقان، جو پشی و دانیل استرن نیز در این فیلم، به‌یادماندنی است.

چهره روز

داستان ناتمام آشغال‌های دوست‌داشتنی

رضاداد: این فیلم «ملاحظاتی» دارد



● **شرق:** محسن امیریوسفی و «آشغال‌های دوست‌داشتنی»اش این‌روزها در خبرهای سینمایی زیاد دیده می‌شوند. ساخته سینمایی امیریوسفی که یکی از توقیفی‌های دولت قبلی بود از جمله فیلم‌هایی است که دبیرخانه سی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر تحویل داده شده؛ اما مانند «خانه‌پدری» کیانوش عیاری هنوز سرنوشتی نامعلوم دارد. دبیر جشنواره فجر می‌گوید که حضور این فیلم برای نمایش، «ملاحظاتی» دارد که فعلا مجال پرداختن به آن نیست و در صورت جمع‌بندی برای نمایش، آن را برای هیات انتخاب نمایش خواهیم داد و تعیین تکلیف می‌شود. «علیرضا رضاداد» در گفت‌وگو با ایسنا گفت: همان‌گونه که تهیه‌کننده و کارگردان محترم فیلم و همچنین آقای دکتر ایوبی (رییس سازمان سینمایی) در مصاحبه‌های خودشان اعلام کرده‌اند، فیلم بیش از یک هفته است که تحویل دبیرخانه هیات انتخاب فجر شده اما ما هنوز فیلم را به هیات انتخاب عرضه نکردیم که خدای‌نکرده ملاحظاتی که درباره نمایش این فیلم وجود دارد، روی رای هیات انتخاب تاثیر نگذارد.» حجت‌الله ایوبی، رییس سازمان سینمایی هم درباره «آشغال‌های دوست‌داشتنی» به ایسنا گفت: «من فیلم را دیده‌ام، اما هنوز هیچ تصمیم قطعی در مورد این فیلم گرفته نشده و برای بازبینی به هیات انتخاب جشنواره فجر فرستاده شده است و هیات انتخاب می‌تواند آزادانه نظر خود را درباره این فیلم اعلام کند.» در همین حال بنیاد سینمایی فارابی تمامی اختیارات این فیلم را در اختیار امیریوسفی قرار داده است تا روند اکران و نمایش فیلم در جشنواره تسهیل یابد. امیریوسفی ضمن ابراز خرسندی گفت: «وقتی آقای جعفری‌جلوه فیلم را دیدند، بنده به‌عنوان کارگردان و یکی از مالکان فیلم پیشنهاد دادم که اختیارات فارابی (به‌عنوان یکی از سرمایه‌گذاران فیلم) به خودم واگذار شود که خوشبختانه روز شنبه این اتفاق افتاد. این پیشنهاد را به‌دلیل تسریع در جلوگیری مساله نمایش فیلم در جشنواره فجر و اکران مطرح کردم تا به‌عنوان تهیه‌کننده و یکی از مالکان فیلم اختیار بیشتری داشته باشم که روند نمایش فیلم را پیگیری کنم.»

خبرسازان

وزیر ارشاد:

خبر دیدار روحانی و شجریان برای ایجاد جنجال بود

● **شرق:** وزیر ارشاد با انتقاد از برخی رسانه‌ها که در برابر هر موضعی که دولت می‌گیرد، مخالفت می‌کنند، خبر دیدار رییس‌جمهور و محمدرضا شجریان را نمونه‌ای از این مورد دانست که برای ایجاد جنجال منتشر شد. علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نشستی که صبح دیروز، ۱۵دی با رییس هیات‌مدیره موسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران و مدیرعامل ایرنا برگزار شد، گفت: «احساس من در جایگاه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی این است که چند سایت و یکی، دو روزنامه هستند که اصلا کاری ندارند ما چه موضعی می‌گیریم، آیا حق است یا باطل! هر موضعی که گرفته شود باید با آن مخالفت کنند. این کار خیلی زشت است و با هیچ‌یک از ارزش‌های ملی و دینی ما سازگار نیست. آن هم بدون اینکه قضاوت یا فکری در این‌باره شود، فقط به این دلیل که از طرف ارگان دولتی صادر می‌شود باید درباره آن موضع گرفته شود.» همچنین به گزارش شبکه ایران، او برای روشن‌ترشدن این حرف به خبر دیدار رییس‌جمهور با محمدرضا شجریان، استاد آواز ایران اشاره کرد: «این مخالف‌خوانی‌ها اگر در حد موضع‌گیری بود، خوب بود، بدتر از آن، این است که این افراد بیشتر گرایش به تحریف و جعل پیدا کرده‌اند. به‌طور مثال خبری که در یکی از خبرگزاری‌ها منتشر شد مبنی بر اینکه دکتر روحانی به منزل آقای شجریان رفته است! در حالی که آقای شجریان حدود یک‌ماه است که در ایران نیستند و این خبر فقط برای ایجاد جنجال بود یا مقاله‌ای که به اسم دکتر روحانی در یکی از روزنامه‌های آلمان چاپ شد و بعد از پیگیری مشخص شد که یکی از همین روزنامه‌های داخلی این کار را انجام داده است.» وزیر ارشاد سپس امانت‌داری را یکی از رسالت‌های رسانه‌ها عنوان کرد: «امانت‌داری حرفه‌ای و رسالت مطبوعاتی که به دوش همه ماست باید به درستی انجام شود. خوشبختانه روزنامه و موسسه ایران به سمت امانت‌داری در حرکت است.»

سرخط

شرق: با نقش‌خوانی مائده طهماسبی، لیلی رشیدی، عزت‌الله مهرآوران و کارگردانی بهزاد صدیقی نمایشنامه «نوه سفارش دادید» برای تامین هزینه‌های درمان مصطفی عبداللهی در ساعت ۱۸ روزهای ۱۹و ۲۰دی در فرهنگسرای ابن‌سینا اجرا می‌شود.

مهر: «درون لوین‌لوبیس» جدیدترین فیلم برادران کوئن با بردن جایزه بهترین فیلم انجمن ملی منتقدان فیلم آمریکا، یک موفقیت دیگر به موفقیت‌های قبلی‌اش اضافه کرد.